



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Challenges of Issuing and Enforcing Sentences for the Crimes of Aggressive Possession, Disturbance and Obstruction of Rights

Ahmad Rezaeipanah¹, Eisaa Baninaeime^{2*}, Amir Albooali²

1. Department Criminal Law and Criminology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

2. Department of Criminal Law and Criminology, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In Iran's legal system, according to Article 690 of the Islamic Penal Code (Book Five - Ta'zirat), judgments of criminal authorities must be implemented by the criminal execution unit of the judiciary. Although the general process of executing these judgments is determined in laws such as the Civil Execution Law and the Law on the Execution of Financial Convictions, the implementation of these authorities' decisions in some cases is accompanied by ambiguities and challenges, leading to difficulties for the convicted party in obtaining their rights. This article aims to investigate these ambiguities and challenges.

Method: This study employs a descriptive-analytical method, based on library research, to examine the processes and executive challenges of judgments issued by criminal courts regarding the three crimes of aggressive possession, disturbance and obstruction of rights in the Iranian judicial system.

Ethical Considerations: In this research, all sources have been accurately cited in accordance with ethical principles and any distortion or misuse of data has been avoided.

Results: The findings indicate that existing ambiguities in the process of executing the most important decisions of the aforementioned authorities, including those related to financial convictions and non-financial convictions, have led to the emergence of different procedures in the criminal justice enforcement units. Furthermore, the implementation of these decisions in practice is accompanied by challenges, some of which include: ambiguity in judgments, lack of sufficient enforcement guarantees and interpretability of judicial authorities. These issues, in addition to disparate rulings, hinder the realization of justice and lead to confusion among courts and judges.

Conclusion: To resolve the ambiguities and challenges in issuing and enforcing judgments for the crimes of aggressive possession, disturbance and obstruction of rights, it is suggested that the legislator provide more precise definitions of the concepts and instances of these crimes, as well as establish clearer executive mechanisms, to facilitate judicial uniformity. Additionally, the necessity of educating and enhancing the knowledge of judges in handling cases related to legal entities and moral perpetrators is of particular importance.

Keywords: Enforcement of Orders; Aggressive Occupation; Obstruction of Rights; Property Disturbance; Judicial Challenges

Corresponding Author: Eisaa Baninaeime; **Email:** eisaa.bani@protonmail.com

Received: April 11, 2023; **Accepted:** September 19, 2023; **Published Online:** August 22, 2025

Please cite this article as:

Rezaeipanah A, Baninaeime E, Albooali A. Challenges of Issuing and Enforcing Sentences for the Crimes of Aggressive Possession, Disturbance and Obstruction of Rights. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e68.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

چالش‌های صدور و اجرای احکام جرائم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق

احمد رضایی پناه^۱، عیسی بنی‌نعیمه^{۲*}، امیر البوعلی^۲

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در نظام حقوقی ایران، به موجب ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات)، آرای مراجع کیفری باید توسط واحد اجرای احکام کیفری دادگستری به اجرا درآیند، اگرچه فرآیند کلی اجرای این آرا در قوانینی، از جمله قانون اجرای احکام مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تعیین شده است، اما اجرای آرای این مراجع در برخی موارد با ابهامات و چالش‌هایی همراه است، به طوری که محکوم‌له در دستیابی به حقوق خود با مشکلاتی مواجه می‌گردد. مقاله کنونی با هدف بررسی این ابهامات و چالش‌ها تدوین شده است.

روش: این مطالعه با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی فرآیندها و چالش‌های اجرایی آرای صادره از محاکم کیفری پیرامون جرائم سه‌گانه تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق در نظام قضایی ایران می‌پردازد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، تمامی منابع به صورت صحیح و مطابق با اصول اخلاقی استاندارد شده‌اند و از تحریف یا سوءاستفاده از داده‌ها پرهیز شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که ابهامات موجود در فرآیند اجرای مهم‌ترین آرای مراجع مذکور، اعم از آرا با موضوع محکومیت مالی و آرا با موضوع محکومیت غیر مالی، موجب پیدایش رویه‌های مختلف در واحدهای اجرای احکام کیفری دادگستری شده است. همچنین اجرای این آرا در عمل نیز با چالش‌هایی همراه است که برخی از آن‌ها عبارتند از: ابهام در آرا، عدم ضمانت اجرای کافی و تفسیرپذیری مقامات قضایی. این موارد، علاوه بر تشتت آرا، موجب عدم تحقق عدالت و سرگردانی محاکم و قضات شده است.

نتیجه‌گیری: به منظور رفع ابهامات و چالش‌های موجود در صدور و اجرای احکام جرائم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، پیشنهاد می‌شود که قانونگذار با تبیین دقیق‌تر مفاهیم و مصادیق این جرائم و همچنین تعیین سازوکارهای اجرایی شفاف‌تر، به وحدت رویه قضایی کمک کند. علاوه بر این، لزوم آموزش و ارتقای سطح دانش قضات در مواجهه با پرونده‌های مرتبط با اشخاص حقوقی و اعلان معنوی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

واژگان کلیدی: اجرای احکام؛ تصرف عدوانی؛ ممانعت از حق؛ مزاحمت ملکی؛ چالش‌های قضایی

نویسنده مسئول: عیسی بنی‌نعیمه؛ پست الکترونیک: eisaa.bani@protonmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۳۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Rezaeipanah A, Baninaeime E, Albooali A. Challenges of Issuing and Enforcing Sentences for the Crimes of Aggressive Possession, Disturbance and Obstruction of Rights. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e68.

مقدمه

تحقق عدالت در جامعه مولود سه عامل قانون، قاضی و اجرا است که نقش اجرا در تحقق این مهم بیش از دو عامل دیگر تأثیرگذار می‌باشد. در واقع ثمره عملی رأی توسط قاضی در اجرای آن دیده می‌شود و اجرای مطلوب احکام مراجع قضایی، علاوه بر اثر بازدارندگی در جامعه و خشنودی محکوم‌له از اجرای آن، رضایت جامعه را نیز فراهم می‌نماید. اگر حکم صادره اجرا نشود، عدالت ساختاری پوشالی پیدا کرده و متجاوزین به حقوق افراد را در موضعی سرکش‌گرایانه قرار خواهد داد تا دیگر بار جامعه را به هرج و مرج بکشانند. از طرف دیگر، عدم اجرا یا اجرای احکام به صورت ناقص، فلسفه صدور حکم را نیز زیر سؤال می‌برد. اگر احکام دادگاه که در پاسخ به تظلم افراد صادر شده، اجرا نشود، باید منتظر واکنش افراد جامعه به علت عدم دریافت پاسخ مثبت در احقاق حق آنان بود و عدم اجرای مطلوب احکام دادگاه نه تنها صلاحیت دادگستری به عنوان مرجع و ملجأ تظلم‌خواهی افراد را زیر سؤال خواهد برد، بلکه موجب یأس و ناامیدی افراد از این مرجع قضایی خواهد شد.

در قانون آیین دادرسی کیفری، دادرسی به عنوان نهاد اجرای حکم معرفی و یکی از وظایف ذاتی دادستان اجرای احکام کیفری دانسته شده است. بر این اساس، معاونت اجرای احکام کیفری تحت نظارت و ریاست دادستان تشکیل شده و انجام وظیفه می‌کند و در صورت ضرورت دارای واحد یا واحدهای تخصصی برای اجرای احکام خواهد بود، البته تشکیل معاونت اجرای احکام کیفری اجباری نیست و قاضی اجرای احکام نیز معاون دادستان است. اعضای تشکیلات اجرای احکام علاوه بر دادستان و قاضی اجرای احکام، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مأمور مراقبت می‌باشد. بنابراین اکنون مرجع اجرای احکام کیفری ساختار، مدل و نیروی انسانی مشخصی دارد.

جرائم سه‌گانه تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، از جمله بارزترین جلوه‌های جرائم علیه اموال غیر منقول به شمار می‌روند. شکل‌گیری تمایل خانواده‌ها به ساخت و ساز ویلاهای تفریحی خصوصاً در مناطق کوهستانی و خوش آب و هوا و

تبدیل اراضی کشاورزی به باغ و ویلاها از یکسو و گسترش شهرها و سبقت بساز و بفروش‌ها در ساخت آپارتمان‌ها که عموماً از مناطق کشاورزی و باغی هستند و افزایش ارزش املاک همسو با دگرگونی‌های اقتصادی همگی منجر به بروز اختلافات ملکی و تولید پرونده‌های قضایی در حوزه این جرائم گردیده است، به رغم اینکه این جرائم در ردیف جرائم بسیار شایع در کشورمان است، همین امر سبب شده است که برداشت‌های متعارض و بعضاً ناصوابی پیرامون فهم و تحلیل این جرم شکل گرفته و رویه قضایی متشتتی به وجود آید و همین جرم‌انگاری مبهم و مجمل باعث ایجاد مشکلات اجرایی در این قانون گشته است.

تشتت آرای قضایی و اضطراب نظریات حقوقی در ارتباط با جرائم سه‌گانه باعث شد صحنه علمی و عملی در تعریف شرایط و ارکان این جرائم دچار آشفتگی شود. بی‌تردید این آشفتگی ناشی از ایرادات قانونگذاری است که تعریفی ساده، شفاف و دقیق از عناصر این جرائم ارائه نکرده و سرگردانی محاکم و قضات دادگستری را به دنبال داشته است. قانونگذار در ماده ۶۹۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات از یکسو هم به بیان مصادیق این جرائم و هم انواع تجاوز شامل تصرف، مزاحمت و ممانعت از حق و هم اجرای احکام پرداخته است، اما اکنون بحث این نوشتار در خصوص اجرای احکام مذکور می‌باشد. مسأله اصلی عبارت است از اینکه آیا بین حکم بر رفع تصرف و توقف عملیات متجاوز تفاوت وجود دارد؟ منظور از رفع تصرف چیست و چه تفاوتی با اعاده وضع به حال سابق وجود دارد؟ ارتباط قلع و قمع بنا با رفع تصرف چیست؟ آیا قلع و قمع بنا باید مورد حکم قرار گیرد یا صرفاً مستلزم تنظیم دادخواست است؟ کیفیت تحقق ماده ۶۹۳ در مقایسه با ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی چگونه می‌باشد؟

به طور کلی این موضوع تاکنون موجب بروز اختلاف نظرهای فراوان میان حقوقدانان و پیدایش رویه‌های مختلف میان قضات شده است. از آنجایی که ابهامات و چالش‌های موجود ممکن است محکوم‌له را در دستیابی به حقوق خود با دشواری مواجه نماید، بررسی این موضوع در قالب اثر پژوهشی مستقل ضروری به نظر می‌رسید. با توجه به این موضوع، مقاله کنونی

۱. چالش‌های صدور حکم قضایی

۱-۱. کیفیت صدور احکام در خصوص اشخاص حقوقی:

در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات)، با استفاده از لفظ «هر کس»، به نوعی مقررات این ماده قانونی منحصر در اشخاص حقیقی شده است. این در حالی است که با توجه به نگاه ویژه قانونگذار در دادرسی ویژه اشخاص حقوقی در قانون آیین دادرسی کیفری، بدیهی است که ارتکاب بزه از ناحیه شخص حقوقی نیز متصور است، چه اینکه در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی نیز این امر مورد تأکید است. بنابراین پذیرش مسئولیت کیفری در ارتکاب مطلق جرائم توسط اشخاص حقوقی مورد نظر قانونگذار می‌باشد، ولیکن اینکه اشخاص حقوقی چگونه ممکن است مرتکب جرائم موضوع این ماده شوند، قانونگذار ساکت است و باید به عمومات رجوع کرد.

به عنوان مثال، چنانچه یک شرکت خصوصی اقدام به تصرف عدوانی در ملک دولتی نماید، چه کسی مسئول است؟ یا اگر یک شرکت دولتی در ملک دولتی دیگری تصرف یا ممانعت از حقی به عمل آورد، آیا مسئولیت کیفری متوجه آن می‌باشد؟ با بررسی پرونده‌های مختلف مشاهده می‌گردد، اختلافات ارگان‌های دولتی بسیار بوده و در اکثر موارد ریشه در نابسامانی سیستم ثبت اسناد و املاک در کشور دارد. برای نمونه، در پرونده‌ای اداره جهاد کشاورزی دارای سند ثبتی دفترچه‌ای پیرامون یک زمین زراعی بود و اداره اوقاف نیز یک سند تک‌برگ ثبتی پیرامون بخشی از ملک مذکور در تاریخی مؤخر بر سند دفترچه‌ای در اختیار داشت. این در حالی بود که اداره جهاد کشاورزی زمین مذکور را به یک شخص حقیقی اجاره داده و اداره اوقاف مدعی مالکیت بر اراضی مذکور بود که به موجب انعقاد عقد اجاره، تصرف عدوانی از سوی مستأجر صورت گرفته بود. با پیگیری‌های متعدد، در نهایت اداره اوقاف ادعای خود را اثبات کرد و فرد مستأجر مدعی فقدان سوءنیت و بی‌اطلاعی از مستحق‌الغیر بودن زمین زراعی بود، در نتیجه این نابسامانی ثبتی، ساعت‌ها وقت دستگاه قضایی و ارگانی دولتی مانند اداره اوقاف صرف رسیدگی و پیگیری این پرونده

با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی فرآیندها و چالش‌های اجرایی آرای صادره از محاکم کیفری پیرامون جرائم سه‌گانه در نظام قضایی ایران می‌پردازد.

روش

این مقاله از نوع پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی است که با هدف شناسایی، تبیین و تحلیل چالش‌ها و ابهامات موجود در فرآیند صدور و اجرای احکام مربوط به جرائم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق در نظام حقوقی ایران انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده و از منابع دست اول شامل قوانین و مقررات، آرای وحدت رویه، نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه و همچنین منابع دست دوم مانند کتب و مقالات علمی - پژوهشی بهره گرفته شده است.

در بخش تحلیل، داده‌های گردآوری‌شده با رویکرد تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا ضمن واکاوی ماهیت و مصادیق جرائم سه‌گانه، نقاط ضعف و ابهامات قانونی و رویه‌ای در خصوص صدور و اجرای احکام کیفری مرتبط با آن‌ها مشخص گردد. این تحلیل شامل بررسی رویه‌های قضایی موجود و نیز ارزیابی نظریات حقوقی مطرح‌شده در این زمینه است. هدف نهایی، ارائه راهکارهای عملی و نظری برای رفع چالش‌ها و بهبود فرآیند احقاق حق در این حوزه می‌باشد.

یافته‌ها

تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که در فرآیند صدور و اجرای احکام مربوط به جرائم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، چالش‌های متعددی وجود دارد که در سه حوزه اصلی قابل دسته‌بندی هستند: کیفیت صدور احکام در خصوص اشخاص حقوقی، کیفیت صدور احکام در خصوص فاعل معنوی و کیفیت صدور حکم در املاک مشاعی. در ادامه، به تفصیل به این موارد پرداخته می‌شود:

گردید، در حالی که اگر سوابق ثبتی به درستی در سامانه اداره ثبت منعکس می‌گردید و اداره جهاد کشاورزی ملزم می‌گردید که سند دفترچه‌ای خود را تبدیل به سند تک‌برگ نماید، به راحتی سهم مالکانه اداره اوقاف قابل تفکیک بود، البته اخیراً تبدیل سند دفترچه‌ای به تک‌برگ در دستور کار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قرار گرفته که اقدامی بسیار مؤثر می‌باشد.

بحث دیگری که مطرح است، کیفیت صدور حکم مجازات برای اشخاص حقوقی می‌باشد. طبق ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشخاص حقوقی تعیین شده است، لیکن با بررسی مجازات مندرج در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ناظر بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات ارتکاب جرم برای مطلق اشخاص، به تناسب اراضی دولتی و خصوصی متفاوت اعلام شده است و آنچه مشخص است مجازات حبس برای محکومین به جرائم مذکور در نظر گرفته شده است. این در حالی است که این مجازات در زمره مجازات‌های تعیین‌شده در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد، لذا این ابهام وجود دارد که در صورت ارتکاب هر یک از جرائم سه‌گانه از طرف شخص حقوقی چه کسی مسئول شناخته شده و شخص حقوقی مربوطه مشمول چه مجازاتی خواهد شد.

پیشنهادی که در این راستا مطرح است و در رویه قضایی انجام می‌شود، این است که جهت مجازات اشخاص حقوقی ابتدا می‌بایست جرم ارتكابی احراز گردد. حسب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود» و این همان مسئولیت ناشی از فعل غیر یا تقصیر می‌باشد که مبنای مسئولیت کیفری در اشخاص حقوقی می‌باشد و در قالب مسئولیت کیفری نیابتی یا تبعی پذیرفته شده است. طبق ماده ۶۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری چنانچه ارتکاب جرم توسط شخص حقیقی (نماینده قانونی) به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی صورت گرفته باشد، یعنی فرد به انجام مأموریت یا وظیفه‌اش پرداخته باشد،

مسئولیت متوجه هردو شخصیت می‌باشد. مطابق ماده ۱ قانون کار، نماینده شخص حقوقی، مدیر، یا کسی که از ناحیه هیأت مدیره تعیین شده می‌باشد؛ به عبارتی بالاترین مقام آن ارگان مد نظر است. با این وصف در جرائم سه‌گانه چنانچه شخص حقوقی مرتکب بزه شود، ابتدا می‌بایست بررسی کرد که فرآیند مجرمانه با اراده چه کسی انجام شده است. چنانچه این جرم توسط شخص حقیقی که نماینده شخص حقوقی است واقع شده باشد، این شخص مستقلاً قابل پیگرد است، ولیکن اگر اقدام مجرمانه را به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب شده باشد، به نوعی مسئولیت تبعی برای شخص حقوقی ایجاد خواهد شد. محل صالح به رسیدگی جرم نماینده شخص حقوقی به اتهام هرکدام جداگانه رسیدگی می‌کند، ولیکن مجازات اشخاص حقوقی صرفاً در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل اعمال است که با وصف مذکور اساساً اعمال مجازات حبس برای شخص حقوقی وجود ندارد و هرگونه مجازات می‌بایست داخل در محدوده ماده ۲۰ قانون اخیرالذکر باشد.

۱-۲. کیفیت صدور احکام در خصوص فاعل معنوی: در متن ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، سخن از تصرف برای خود و دیگری شده است. این در حالی است که مصادیق بسیاری وجود دارد که فردی اقدام به تصرف برای دیگری بدون اطلاع از مستحق‌للغیر بودن ملک می‌نماید. به این معنا که فردی مبادرت به انجام صحنه‌سازی و سایر موارد مندرج در ماده ۶۹۰ می‌کند و با علت‌یابی موضوع مشخص می‌گردد که این اقدامات برای دیگری انجام شده است و در اینجا است که موضوع مسئولیت کیفری فاعل معنوی در ارتکاب این جرائم مطرح می‌گردد.

در دعاوی کیفری به ویژه در جرائم اموالی نظیر تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، یکی از چالش‌های مهم، عدم تشخیص صحیح کیفیت صدور حکم درباره فاعل معنوی جرم است. فاعل معنوی، کسی است که بدون آنکه شخصاً عملیات مادی جرم را انجام دهد، از طریق تحریک، تطمیع، تهدید یا مدیریت غیر مستقیم موجبات ارتکاب جرم را توسط

دیگری فراهم می‌آورد. با این حال، در بسیاری از پرونده‌ها، به دلیل نبود تصریح قانونی روشن یا ضعف در تحلیل رابطه سببیت معنوی میان فاعل معنوی و مباشر جرم، کیفیت صدور حکم علیه فاعل معنوی با ابهام جدی مواجه است (۱).

قضات در مقام صدور رأی، به دلیل دشواری اثبات عنصر روانی فاعل معنوی یا به صدور حکم تبرئه تمایل پیدا می‌کنند یا بدون توجه به ضرورت تفکیک نقش فاعل معنوی و مباشر، احکام مشابه برای هر دو صادر می‌کنند. این وضعیت، نه تنها با اصول دادرسی منصفانه و لزوم شخصی بودن مجازات‌ها مغایرت دارد، بلکه در عمل باعث بی‌عدالتی و حتی تشویق فاعلان اصلی به سوءاستفاده از خلأهای موجود می‌شود (۲). قانونگذار در ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با بیان مسئولیت کیفری سردرسته گروه مجرمانه، گامی مؤثر در جهت جرم‌انگاری فاعلیت معنوی برداشته، ولیکن این اقدام مثبت، به صورت ناقص باقی مانده است. در رهگذر این بحث عده‌ای فاعلیت معنوی را در زمره مباحث «سبب اقوای از مباشر» مطرح نموده و این تأسیس فرانسوی را متناظر با مبحث مذکور در فقه اسلامی می‌دانند. در هر حال، اینکه آیا باید فاعل معنوی را مجرم بدانیم یا خیر و در صورت مجرم دانستن چه مجازاتی برای آن در نظر گرفت، موضوعی است که قانونگذار رویکرد مشخصی در قبال آن ارائه ننموده است. پیشنهاد نوآوری نگارنده در این زمینه ایجاد سازوکار ارزیابی جامع و فردی است، لذا با توجه به پیچیدگی مسأله و تنوع شرایط موجود، پیشنهاد می‌شود که به جای اتخاذ یک رویکرد یکسان برای همه موارد، از یک سازوکار ارزیابی جامع و فردی برای هر پرونده استفاده شود.

۳-۱. کیفیت صدور حکم در املاک مشاعی: از جمله معضلات مهم در روند رسیدگی و صدور حکم در دعاوی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، به ویژه در خصوص املاک مشاعی، وجود اختلاف نظر جدی میان حقوقدانان و مراجع قضایی است. مطابق بند ۱ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه موظف به «رسیدگی و صدور حکم قاطع در اختلافات» و تحقق «حقوق حق» می‌باشد، اما در عمل، این اختلاف

نظرها مانع از تحقق یکنواخت عدالت شده است. ملک مشاع به واحدی اطلاق می‌شود که مالکیت آن میان چند نفر به طور مشترک برقرار باشد و هر شریک دارای حصه‌ای مشخص از کل ملک باشد. این نوع مالکیت غالباً در مجتمع‌های مسکونی یا تجاری دیده می‌شود و به علت اختلاط مالکیت، زمینه بروز تعارضات فراوان فراهم می‌گردد.

در حوزه حقوقی، در خصوص ماهیت اقدامات کیفری علیه مال مشاعی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد (۳). برخی بر این باورند که چون مال مشاع به تمامی متعلق به شرکا است، اقدام هر شریک نسبت به مال مشاع را نمی‌توان تعرض به مال غیر دانست؛ در مقابل، گروهی دیگر معتقدند که مالکیت در جزء جزء مال، مشترک است و هر تصرف بدون رضایت سایر شرکا، تجاوز به حقوق دیگران محسوب می‌شود (۴).

این اختلاف دیدگاه‌ها در رویه قضایی نیز انعکاس یافته و باعث صدور آرای متعارض شده است. به عنوان نمونه، رأی وحدت رویه شماره ۱۰ مورخ ۱۳۵۵/۰۷/۲۱ بزه تخریب در اموال مشاعی را ممکن دانسته، ولی درباره سایر جرائم علیه اموال، اتفاق نظر کامل حاصل نشده است. در رأی دادگاه به شماره ۱۹/۷/۷۴-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱، فردی که متهم به ممانعت از حق و مزاحمت در محوطه مشاعی ساختمان بود، محکوم شد. این در حالی است که در دادنامه شماره ۱۸۰۸ مورخ ۱۳۷۴/۰۹/۲۹، دادگاه دیگری خیانت در امانت نسبت به اموال مشاعی را محقق ندانسته و متهم را تبرئه کرده است.

از حیث تحلیلی، آنچه به عنوان مانع اصلی در تحقق یکسان عدالت در این زمینه مطرح می‌شود، برداشت‌های متفاوت از مفهوم مالکیت مشاعی است. نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۸۳۵۸/۷ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۰۶ نیز تصریح کرده که تصرف عدوانی در املاک مشاعی توسط هر یک از شرکا بدون اذن دیگران، عملی غاصبانه است و قابل پیگرد می‌باشد. به عبارت دیگر، مالکیت مشاعی هرچند در قدرالسهم متفاوت است، ولی در تمامی ملک پراکنده بوده و تصرف بدون اذن سایرین، استیلا بر حق غیر محسوب می‌شود (۵). علاوه بر این، نظر فقهای شورای نگهبان نیز نشان می‌دهد که صرف غیر

قابل تقسیم‌بودن مال برای تشریع فروش کافی نیست و باید علاوه بر آن، وجود ضرر و امتناع شرکا نیز احراز شود (۶). این رویکرد، ضمن تأکید بر رعایت حقوق مالکان، بیانگر ضرورت توجه به مبانی شرعی در تحقق جرائم مربوط به اموال مشاعی است، لذا می‌توان گفت، اختلاف در برداشت ماهیت تصرف در اموال مشاعی، به طور مستقیم بر اجرای صحیح بند ۱ اصل ۱۵۶ قانون اساسی اثر گذاشته و ضرورت ایجاد وحدت رویه و تبیین ضوابط دقیق‌تر توسط مراجع عالی قضایی را آشکار می‌سازد تا اهداف احقاق حق و گسترش عدالت، به نحو مؤثرتری محقق شود.

۴-۱. چالش‌های اجرای حکم: قلع و قمع بنا: یکی از معضلات مهم در روند رسیدگی و صدور حکم در خصوص جرائم سه‌گانه (تصرف عدوانی، ممانعت از حق، مزاحمت) در املاک، به ویژه املاک مشاعی، مسأله عدم تصریح قانونی در خصوص صدور حکم به قلع و قمع بنا است. طبق بند ۱ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه موظف به «رسیدگی و صدور حکم قاطع در اختلافات» و «احقاق حقوق» است، اما در عمل، نبود تصریح قانونی درباره قلع و قمع بنا باعث شده است که تحقق این مأموریت با چالش‌هایی رو به رو گردد.

در حالی که ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ انواع مجازات‌ها را احصا کرده و ماده ۱۹ مصادیق آن‌ها را برشمرده، هیچ اشاره مستقیمی به قلع و قمع بنا نشده است. این ابهام موجب شده است که در برخی پرونده‌های مربوط به تصرف عدوانی یا ممانعت از حق، قضات در صدور حکم به قلع و قمع با تردید مواجه شوند یا آرای متعارض صادر کنند (۷). با توجه به اینکه قلع و قمع بنا در برخی مقررات مانند ماده ۵۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی یا قوانین خاصی همچون قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها به عنوان بخشی از اجرای حکم شناخته شده است، این سؤال به وجود آمده که آیا قلع و قمع بنا ماهیت مجازاتی دارد یا صرفاً از لواحق و توابع اجرای حکم است. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۷۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۸ بیان داشته

که قلع و قمع بنا «جزء لاینفک حکم کیفری» است، اما به طور صریح به عنوان مجازات شناخته نمی‌شود. همین تفسیر در نظریه‌های حقوقی معاصر نیز تأکید شده است. برای نمونه، شریعتی به درستی اشاره می‌کند که «اجرای قلع و قمع بدون الزام به طی تشریفات کیفری، دلالت بر غیر مجازاتی‌بودن آن دارد و تنها به عنوان یک اثر تبعی از احکام کیفری قابل ارزیابی است» (۸).

تحلیل رویه‌های قضایی و نظریات حقوقی نشان می‌دهد که عدم تصریح روشن در قوانین کیفری درباره قلع و قمع بنا، ضمن ایجاد اختلاف رویه میان محاکم، تحقق عدالت یکنواخت را که بند ۱ اصل ۱۵۶ قانون اساسی بر آن تأکید دارد، با مانع رو به رو ساخته است. همچنین مطابق تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها، اجرای قلع و قمع می‌تواند بدون صدور حکم قطعی دادگاه و تنها با صورتجلسه نماینده دادسرا انجام شود که این امر، مؤید غیر مجازاتی‌بودن قلع و قمع است و اجرای آن به عنوان یک اقدام اجرایی و نه مجازاتی مستقل محسوب می‌شود.

بحث

چالش‌های موجود در صدور و اجرای احکام جرائم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق، ریشه‌های عمیقی در ابهامات و کاستی‌های قانونگذاری و نیز تشتت رویه قضایی دارد. همانطور که در یافته‌ها مشخص شد، ابهام در تعریف و تبیین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در خصوص این جرائم، به ویژه با توجه به سکوت قانونگذار در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، مشکلات جدی را برای محاکم ایجاد کرده است، در حالی که قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته، عدم تناسب مجازات‌های ماده ۶۹۰ با مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی (ماده ۲۰ ق.م.ا)، خلأ قانونی مهمی را نمایان می‌سازد. این وضعیت، لزوم بازنگری و اصلاح ماده ۶۹۰ را برای شمول صریح اشخاص حقوقی و تعیین مجازات‌های متناسب با ماهیت آن‌ها، به

نتیجه‌گیری

بررسی چالش‌های صدور و اجرای احکام جرائم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که این فرآیند با مشکلات ساختاری و رویه‌ای متعددی رو به رو است که عمدتاً ناشی از ابهامات و کاستی‌های قانونی و تشتت رویه‌های قضایی است. عدم شفافیت در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ابهام در تعیین مجازات برای فاعلان معنوی و نیز پیچیدگی‌های مرتبط با املاک مشاعی، همگی به سردرگمی محاکم و تضییع حقوق محکوم‌له منجر شده است. علاوه بر این، ماهیت قلع و قمع بنا و جایگاه آن در فرآیند اجرای احکام کیفری نیز نیازمند تبیین و تصریح قانونی بیشتری است.

برای بهبود وضعیت موجود و دستیابی به عدالت یکنواخت و احقاق حق کامل، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- اصلاح و بازنگری قانون: قانونگذار باید با بازنگری و اصلاح ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ارتکاب جرائم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق را تبیین کرده و مجازات‌های متناسب با آن‌ها را مطابق با ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی تعیین نماید.

۲- تبیین جایگاه فاعل معنوی: تدوین مواد قانونی شفاف‌تر در خصوص مسئولیت کیفری فاعل معنوی در این‌گونه جرائم، شامل تعریف دقیق، نحوه اثبات عنصر روانی و تعیین مجازات‌های مناسب، ضروری است تا از هرگونه ابهام و سوءتفسیر قضایی جلوگیری شود. همچنین برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای قضات جهت ارتقای دانش و مهارت آن‌ها در تحلیل پرونده‌های مرتبط با فاعلان معنوی پیشنهاد می‌گردد.

۳- وحدت رویه در املاک مشاعی: قوه قضاییه باید از طریق صدور آرای وحدت رویه یا بخشنامه‌های قضایی، رویه واحد و روشنی در خصوص جرائم علیه اموال مشاعی، به ویژه در مورد تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق توسط شرکا، ایجاد کند. این امر مستلزم تبیین دقیق حدود مالکیت و تصرف هر شریک در مال مشاع و تعیین مصادیق تجاوز به حقوق دیگران است.

شدت ضروری می‌سازد تا از سرگردانی قضات و تفاوت رویه‌ها جلوگیری شود.

در خصوص فاعل معنوی، با وجود اهمیت نقش وی در ارتکاب جرائم، قانونگذار در ماده ۶۹۰ به صراحت به مسئولیت وی اشاره نکرده است، اگرچه ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی گامی در این راستا برداشته، اما همچنان ابهام در چگونگی اثبات عنصر روانی و رابطه سببیت معنوی، منجر به تیره یا صدور احکام مشابه برای فاعل معنوی و مباشر شده است. این نقص نه تنها با اصول عدالت کیفری در تعارض است، بلکه می‌تواند به فرار از مسئولیت فاعلان اصلی منجر شود، لذا تبیین دقیق‌تر مفهوم فاعلیت معنوی در قوانین مربوط به جرائم علیه اموال و تصویب سازوکارهای ارزیابی جامع و فردی برای هر پرونده، امری حیاتی است.

مسأله املاک مشاعی نیز به دلیل برداشت‌های متفاوت از مفهوم مالکیت مشاع و تداخل حقوق شرکا، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌ها است. رویه‌های قضایی متعارض و عدم وجود وحدت رویه در خصوص جرائم علیه اموال مشاعی، از عدم تحقق بند ۱ اصل ۱۵۶ قانون اساسی حکایت دارد. این امر نشان می‌دهد که نیاز به تصویب قوانین شفاف‌تر یا صدور آرای وحدت رویه از دیوان عالی کشور برای تبیین حدود تصرف و مسئولیت کیفری شرکا در اموال مشاعی، از فوریت بالایی برخوردار است.

در نهایت، قلع و قمع بنا به عنوان یکی از لواحق اجرای حکم، با ابهام در ماهیت مجازاتی یا اجرایی خود، چالش‌آفرین شده است، اگرچه رأی وحدت رویه ۷۳۰ دیوان عالی کشور آن را «جزء لاینفک حکم کیفری» دانسته، اما عدم تصریح قانونی در این خصوص، باعث تردید قضات و تفاوت رویه‌ها شده است. لازم است قانونگذار با تصریح ماهیت قلع و قمع بنا و تفکیک آن از مجازات‌های اصلی، ابهامات موجود را برطرف سازد تا اجرای عدالت به صورت یکنواخت و بدون مانع صورت پذیرد.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴- شفاف‌سازی قلع و قمع بنا: ماهیت حقوقی قلع و قمع بنا باید در قوانین کیفری به صورت صریح تبیین شود و مرز آن با مجازات‌های اصلی مشخص گردد. این شفاف‌سازی می‌تواند با ذکر صریح آن به عنوان یک اثر تبعی یا اقدام اجرایی در قوانین مربوطه صورت پذیرد تا تردیدها در صدور و اجرای احکام مربوط به آن برطرف شود.

۵- ساماندهی امور ثبتی: به منظور کاهش اختلافات ملکی و پرونده‌های قضایی مرتبط، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید فرآیند تبدیل اسناد دفترچه‌ای به تک‌برگ را تسریع بخشیده و دقت در ثبت اطلاعات ملکی را افزایش دهد تا از بروز تعارضات مالکیت که زمینه‌ساز بسیاری از این جرائم است، جلوگیری شود.

اجرای این راهکارها می‌تواند به ارتقای کارایی و عدالت در نظام قضایی ایران، به ویژه در حوزه رسیدگی به جرائم علیه اموال غیر منقول، کمک شایانی نماید و اطمینان عمومی به فرآیند احقاق حق را تقویت کند.

مشارکت نویسندگان

احمد رضایی پناه: جمع‌آوری داده‌ها، تدوین بخش‌های مقدمه و مباحث اصلی (چالش‌های صدور حکم قضایی).
عیسی بنی‌نعیمه: طراحی کلی پژوهش، نظارت بر محتوا، تدوین بخش‌های بحث و نتیجه‌گیری، بازبینی نهایی مقاله.
امیر البوعلی: تحلیل داده‌ها، نگارش بخش ملاحظات اخلاقی و کمک به فرمت‌بندی مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

References

1. Akhoundi M. Criminal procedure. Tehran: Printing and Publishing Organization; 2015. Vol.2. [Persian]
2. Rostami SM. Criminal liability of juristic persons. Tehran: Mizan Publications; 2019. [Persian]
3. Mirmohammad Sadeghi H. Offenses against property. Tehran: Mizan Publications; 2002. [Persian]
4. Shamelou B. Offenses against property. Tehran: Dadgostar Publications; 2002. [Persian]
5. Habibzadeh MJ. Criminal law (Offenses against property). Tehran: Samt Publications; 2012. [Persian]
6. Ghasemi Rostami M. Criminal Islamic law (Offenses against property). Qom: Bustan-e Ketab; 2023. [Persian]
7. Rey H. Criminal and Tort liability deriving from illegal possession of property. Tehran: Dadgostar Publications; 2018. [Persian]
8. Shariati H. Demolition and clearance of the building in judicial precedent. Tehran: Majd Publications; 2022. [Persian]